

مدیریت سود و حسابداری ساختگی

دکتر رسول برادران حسن زاده^۱

علی باقرزاده قره ضیاءالدین^۲

چکیده:

رسوایی های حسابداری، حسابداری ساختگی و تقلب همواره وجود دارند بطوریکه گستره آنها در تمامی عصرها و کشورها وجود داشته و از بین النهرین باستان تا جنوب دریای بابل در سال ۱۷۲۰ تا انرون و پارمالات^۳ امروزی می باشد. بنابراین سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و تمامی ذینفعان هر کدام به نوبت خود نگران منافع خود در شرکت ها می باشند. با توجه به اینکه رقم سود جهت اتخاذ تصمیم های اقتصادی، پاداش دهی، ترفیع، اخراج و ابقاء مدیران متاثر می باشد، این امر سبب نگرانی مدیران از آینده شرکت، پاداش و آینده شغلی می شود. پر واضح است رقم سود از عوامل زیادی تاثیر می پذیرد. مدیریت سود به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که مدیر را در راه نیل به اهداف از پیش تعیین شده خود راهنمایی می کند و حسابداری ساختگی مجموعه روش هایی است که جهت رسیدن به این هدف وی را یاری می کند. بطور کلی مدیریت سود و حسابداری ساختگی هر دو یک عمل با نام های متفاوت هستند. در ادامه ابتدا به تبیین مفاهیم مستتر در سود، مدیریت سود و حسابداری ساختگی، انگیزه ها و روش های اجرای آن پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: سود - مدیریت سود - حسابداری ساختگی

مقدمه:

سود را می توان مبنایی برای محاسبه مالیات و توزیع مجدد ثروت بین افراد، تدوین سیاست های مربوط به سود تقسیمی و نگهداری سود، راهنمایی برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری، یک ابزار یا وسیله پیش بینی کننده که افراد را در امر پیش بینی سود ها و رویداد های اقتصادی یاری می دهد و نهایتاً به عنوان معیاری از کارآیی منظور می گردد[۸]. می توان گفت ارزش تئوریک شرکت برابر است با ارزش فعلی سود های آتی آن که افزایش در سود بیانگر افزایش در ارزش شرکت و کاهش در آن نشان دهنده کاهش در ارزش شرکت است. با توجه به اهمیت سود جای تعجبی وجود ندارد که مدیریت شرکت علاقه ای خاص به چگونگی گزارش سود داشته باشد. طبق بند سه استاندارد حسابداری شماره یک ، با عنوان نحوه ارائه صورت های مالی ، "صورت های مالی برای پاسخگویی به نیازهای استفاده کنندگانی تهیه می شود که در موقعیت دریافت گزارش های متناسب با نیازهای اطلاعاتی خاص خود نیستند. همچنین طبق بند ۶ استاندارد یادشده «هدف صورت های مالی، ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع شود. صورت های مالی همچنین نتایج ایفای وظیفه مباشرت مدیریت یا حساب دهی آنها را در قبال منابعی که در اختیارشان قرار گرفته است، نشان می دهد"[۱]. با پر رنگ تر شدن حسابداری ساختگی^۴ در حوزه حسابداری ، مدیران برای بهتر جلوه دادن گزارش های خود، قادر به تغییر در چهره صورت های مالی در قالب استانداردهای حسابداری شده اند.

سود و روش های شناسایی آن

هیئت استانداردهای حسابداری مالی ، در بند ۷۰ سود را بدین گونه تعریف می کند: افزایش در منافع اقتصادی طی یک دوره مالی به صورت جریان ورودی یا افزایش ارزش دارایی یا کاهش بدهی که به افزایش حقوق صاحبان سهام منجر می شود ، غیر از جریان های ناشی از سرمایه گذاری سهامداران در واحد تجاری[۶]. می توان سود (درآمد منهای هزینه) را به روش های مختلف محاسبه کرد. دو روش متداول شناخته شده عبارتند از روش مبتنی بر دارایی ها- بدهی ها و روش مبتنی بر درآمدها-

هزینه‌ها. در روش مبتنی بردارایی ها - بدهی ها سود را ناشی از تغییرات رخ داده در دارایی ها و بدهی های واحد تجاری می دانند، در حالیکه اجرای روش مبتنی بر درآمد ها- هزینه ها بیشتر بر اصل تطبیق درآمد های هر دوره با هزینه های همان دوره تاکید می کنند[۷].

کیفیت سود و ابعاد آن

نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد، زیرا آنها احساس می کردند سود گزارش شده قدرت سود شرکت را آنچنان نشان نمی دهد که در ذهن مجسم می کنند. آنها دریافتند که تجزیه و تحلیل صورت های مالی شرکت ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی است. منظور از کیفیت سود، زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سود های آتی است. به عبارت دیگر، ارزش یک سهم تنها به سود هر سهم سال جاری شرکت بستگی ندارد بلکه به انتظارات ما از آینده شرکت و قدرت سود آوری سال های آتی و ضریب اطمینان نسبت به سود های آتی بستگی دارد[۳].

بولو و طالبی(۱۳۸۹) کیفیت سود را از دو بعد تبیین کردند:

۱- ویژگی سری زمانی که خود شامل "تداوم و تکرار پذیری" و "قابلیت پیش گویی" می باشد.

۲- نقد شوندگی و ارقام تعهدی

تداوم و تکرار پذیری منجر به تحقق آتی می شود بدین معنی که سود با کیفیت، دارای پشتوانه و قابلیت حمایت بالایی است. قابلیت پیش گویی اجزای سود، برای بهبود قابلیت و توانایی استفاده کنندگان در تخمین اجزای سود است، که این قابلیت به مفید بودن در تصمیم گیری مربوط است، که اغلب محققین به آن به عنوان قابلیت سود گذشته در پیش بینی سود آتی نگاه می کنند.

در دیدگاه نقد شوندگی و ارقام تعهدی نسبت به جریان های نقدی حاصل از فعالیت های عملیاتی به درآمد، معیاری از کیفیت سود است، بطوریکه نزدیکی به نقد نیز به معنای کیفیت بالای آن است. آنها عناصر کیفیت سود را در دو گروه کیفی و کمی طبقه بندی کردند.

بطور کلی عناصر کیفیت سود را به شرح زیر بیان کردند:

روش های مورد استفاده در حسابداری، مدیریت سود، روش های حسابداری محافظه کارانه، عدم ثبات رویه در روش های حسابداری، ریسک تغییر پذیری، اقتصاد صنعت و شرکت که خود شامل ثبات و پایداری سود، ساختار سرمایه، نگهداشت سرمایه و ویژگی های مدیریت است.

تعاریف مدیریت سود

مدیریت بر سود یکی از جنبه های کیفیت سود می باشد. در حوزه سود اصطلاحی به نام هموار سازی سود وجود دارد که می توان آن را نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن (عادی ساختن) سود دانست که مدیریت می خواهد بدین وسیله به یک سطح مطلوب و مورد نظر از سود دست یابد، وقتی مدیریت سود ارزش شرکت را بیشینه میکند، به لحاظ اقتصادی کارا تلقی میشود، و وقتی مدیریت سود، ارزش شرکت را بیشینه نمیکند فرصت طلبانه است [۴]. در جدول ۱-۱ تعاریف ارائه شده در رابطه با مدیریت سود از جنبه های کارائی اقتصادی و سوء استفاده گرایانه ارائه گردیده است.

ابعاد تعاریف ارائه شده در مورد مدیریت سود :

تعاریف مدیریت سود	از دیدگاه:	کارایی اقتصادی (کار در چارچوب قانونی جهت حفظ منافع استفاده کنندگان)
انگیزه مدیران برای هموار سازی سود بر اساس این فرض قرار دارد که مدیریت ترجیح می دهد سود و نرخ رشد آن دارای نوعی ثبات باشند ، و نه این که جریان مربوط به میانگین سود پیوسته افزایش یابد و شاهد نوسانات سنگین باشد. به صورتی دقیق تر مطرح کردند.	موسن، دانر و گوردون	
اقدام آگاهانه برای کاستن از نوسانات ناشی از تغییر در سطح سود خالص به گونه ای که در زمان کنونی برای شرکت عادی جلوه کند. به این مفهوم، هموار سازی سود نمایانگر تلاشی است که مدیریت انجام می دهد تا تغییر های غیر عادی سود بدان حد کاهش دهد که با توجه به اصول حسابداری و مدیریت سالم ، مجاز است.	بیدل من	
مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای برخی مقاصد خاص (از جمله حصول پیش بینی تحلیل گران و یا برآورد روند سود های قبلی برای پیش بینی سود های آتی) تعریف کرده اند.	دی جورج و همکارانش (۱۹۹۹)	
بکار گیری انعطاف پذیری های موجود در حسابداری جهت دستیابی به سود از قبل تعیین شده .	جونز (۲۰۱۰)	
عنوان دستکاری سود توسط مدیریت به منظور دست یابی به قسمتی از پیش داوری های مربوط به سود مورد انتظار تعریف می کنند.	فرن و همکارانش (۱۹۹۴)	فرصت طلبانه (کار در چارچوب قانونی جهت حفظ منافع تهیه کنندگان)
مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در گزارش گری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست کاری می نمایند	هلی و والن (۱۹۹۹)	
اختیار شرکت در انتخاب سیاست های حسابداری برای دست یابی .به برخی از اهداف مدیر، دانست	اسکات(۲۰۰۰)	
شرودر و همکارانش(۲۰۰۹) ، به صورت، تلاش مقامات ارشد شرکت برای اثر گذاری یا تغییر دادن سود گزارش شده دوره کوتاه مدت، می دانند.	شرودر و همکارانش(۲۰۰۹)	

تعاریف حسابداری ساختگی

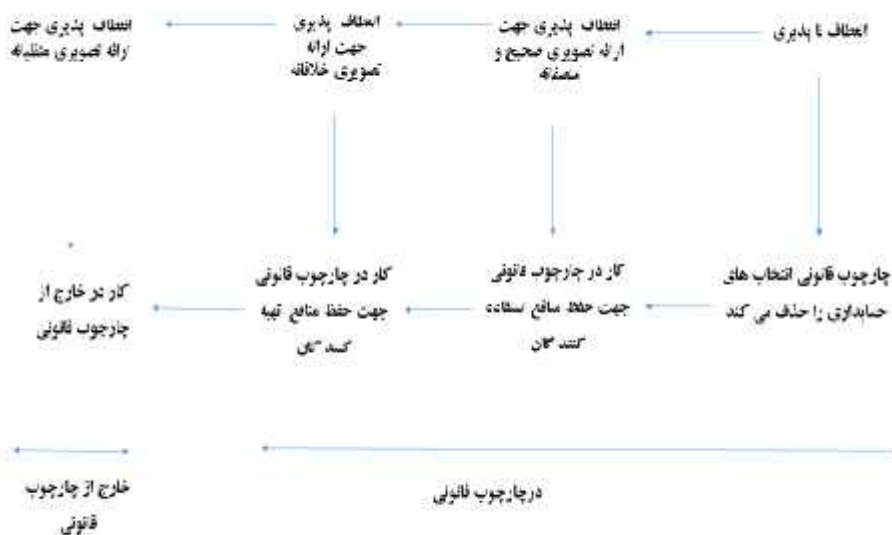
حسابداری ساختگی یکی از راه های تحت تاثیر قرار دادن صورت های مالی توسط مدیران می باشد. مدیران طرح های خودشان را دارند، به صورت نظری مدیران شرکت هایی را مدیریت می کنند که متعلق به سهامداران است. بنابراین آنها در اجرای نقش مباشرت باید شرکت را به نفع سهامداران اداره کنند، اما در عمل ممکن است منافع شخصی مدیران آنها را وادار به استفاده از انعطاف پذیری موجود در درون سیستم حسابداری که بوسیله حسابداری ساختگی تهیه می شود بکند تا نتایج را به نفع خود مدیریت کنند. ممکن است مدیران به افزایش یا کاهش سود ها، یا افزایش دارایی ها یا کاهش بدهی تمایل داشته باشند که این تمایلات متفاوت است. برای مثال ممکن است در بکارگیری حسابداری ساختگی منافع شخصی وجود داشته باشد مثل افزایش سود زمانی که پاداش مرتبط به سود باشد یا مدیران سهامی داشته باشند که ارزش آن به سود خالص شرکت وابسته باشد و یا اینکه مدیران بخواهند نتایج را با انتظارات بازار سیتی^۵ از سود پیش بینی شده مطابقت دهند، در این حالت برای رسیدن به آن اهداف نیاز به دستکاری سود دارند، و یا در موارد خاصی ممکن است برای پرهیز از نقض قرارداد بدهی ها^۶ نیاز به افزایش دارایی ها داشته باشند. اگر ارقام سود سالانه تحت شرایط عادی، یعنی بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری، تهیه شده باشد و بیانگر حقایق نباشد، مدیران ممکن است به حسابداری ساختگی متوسل شوند. اگر به کمک حسابداری ساختگی هم نتوانستند، ممکن است از کاهش احتمالی قیمت سهام یا اخراج شدن و شاید هم از کاهش پاداش نگران باشند [۱۱].

گرچه واژه حسابداری ساختگی واژه ای عامیانه است اما در مورد تعریف دقیقی که مفهوم آن را پوشش دهد توافقی اندکی وجود دارد. در این مورد می توان به تعریف مالفورد و کامیسکی^۷ در آمریکا و تعریفی ارائه شده در انگلستان اشاره نمود. عموماً^۸ تعریفی که در آمریکا در مورد حسابداری ساختگی به چشم می خورد، حسابداری ساختگی را در بر دارنده تقلب می داند در حالیکه در انگلستان حسابداری ساختگی به عنوان انعطاف پذیری سیستم های قانونی بجز تقلب است.

تعریف جونز (۲۰۱۰) از حسابداری ساختگی تقلب را شامل نمی شود حسابداری ساختگی به عنوان، " بکارگیری انعطاف پذیری موجود در حسابداری در چارچوب قانون جهت

مدیریت اندازه گیری و ارائه حساب ها با در اولویت قرار دادن منافع تهیه کنندگان نسبت به استفاده کنندگان" ، تعریف شده است. همانطور که مشاهده می شود حسابداری ساختگی به عنوان شیوه عمل در چارچوب قانونی می باشد، از این رو غیر قانونی نیست. شرکت هایی که از حسابداری ساختگی استفاده می کنند آنها قانون شکنی نمی کنند بلکه فقط از انعطاف پذیری های موجود در حسابداری در جهت منافع شخصی استفاده می کنند. حسابداری ساختگی جهت استفاده از راه های گریز موجود در سیستم قانونی برای حفظ منافع تهیه کنندگان (نه استفاده کنندگان) طراحی شده است. برای مثال در اروپا صورت های مالی ارائه شده توسط شرکت ها مستلزم ارائه تصویری "صحیح و منصفانه"^۸ از حساب ها می باشند. در آمریکا عبارتی مشابه آن، "ارائه منصفانه"^۹ بکار رفته است. در کشور های آنگلو ساکسون (و سایر کشور ها) یک مفهوم برجسته تری وجود دارد و آن اینکه حساب ها باید عین واقعیت اقتصادی را ارائه کنند. استفاده کنندگان باید چنین فرض کنند که صورت های مالی ارائه شده بیانگر واقعیت اقتصادی است. در مقابل حسابداری ساختگی علایق تهیه کنندگان صورت های مالی (مثل مدیران) را در اولویت قرار می دهد. حسابداری ساختگی قادر به انجام (در اولویت قرار دادن منافع مدیران)، بدلیل نیاز اساسی برای ارائه گزارشگری مالی انعطاف پذیر به همراه ارائه تصویری صحیح و منصفانه از حساب ها، می باشد. انعطاف پذیری در گزارشگری بیانگر این مفهوم است. بطوریکه این انعطاف پذیری می تواند (و اغلب هم چنین است) در حسابداری ساختگی بکار گرفته شود. همانطور که در نمایه ذیل نشان داده می شود یک سلسله از انعطاف ناپذیری به سمت انعطاف پذیری جهت ارائه تصویر منصفانه و صحیح، از انعطاف پذیری به سمت ارائه تصویری ساختگی و از انعطاف پذیری به سمت دیدگاه متقالبانه، وجود دارد [۱۱]. بنابراین اگر انعطاف پذیری وجود نداشته باشد حسابداری ساختگی هم وجود نخواهد داشت. در این صورت تصویری صحیح و منصفانه هم وجود نخواهد داشت. این مورد از دیدگاه اصلی حسابداری که جمع آوری اطلاعات برای استفاده کنندگان بویژه سهامداران که بتوانند بوسیله آنها تصمیمات اقتصادی از قبیل خرید، فروش یا نگهداری سهام، اتخاذ نمایند، قابل قبول نیست. چارچوب قانون گذاری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است اما می تواند دربردارنده استاندارد های ملی (مثل بیشتر کشور ها از قبیل انگلستان و آمریکا

(استانداردهای بین المللی (که بطور گسترده استفاده می شود) قوانین شرکتی (بیشتر کشور ها مثل انگلستان و آلمان) یا کمیته حسابداری مستقل (مثل کمیسیون بورس و اوراق بهادار در آمریکا) باشد بنابراین توسعه قوانین و مقررات حسابداری شرکت ها یا سازمان ها باید در راستای ارائه تصویری صحیح و منصفانه از حساب ها به استفاده کنندگان باشد. زمانی که تهیه کنندگان گزارشات مالی از انعطاف پذیری حسابداری در ارتباط با ارائه تصویری صحیح و منصفانه به استفاده کنندگان استفاده کنند، عملی ایده آل می شود. انعطاف پذیری موجود در قوانین و مقررات حسابداری خود به مدیران اجازه استفاده از حسابداری ساختگی را می دهد. در اصل اگر برخی قوانین و مقررات حسابداری زیر پا گذاشته نشود حسابداری ساختگی خطری ندارد. با این حال مدیران با انجام این کار از هدف اصلی حسابداری یعنی ارائه تصویری صحیح و منصفانه به استفاده کنندگان دور می شوند. زمانیکه مدیران واقعاً از چارچوب قانونی تخطی می کنند اعمال آنها در تضاد با قوانین موجود می باشد. به اصطلاح آنها ممکن است تمایل به استفاده از حسابداری متقلبانه^۱ یا تقلب داشته باشند.



تفاوت های حسابداری ساختگی و مدیریت سود

بر اساس مفاهیم مستتر در آنچه که در تعاریف خواهد آمد به بطور واضح مشخص می شود که مدیریت سود خود دو نوع می باشد، یا فرصت طلبانه است یا کارآیی اقتصادی دارد. بر این اساس وقتی مدیریت سود ارزش شرکت را بیشینه می کند به لحاظ اقتصادی کارآ تلقی می شود و وقتی که مدیریت سود ارزش شرکت را بیشینه نمی کند فرصت طلبانه است [۶].

همچنین می توان چنین گفت که اگر از حسابداری ساختگی جهت ارائه تصویری صحیح و منصفانه از عملکرد شرکت استفاده شود، کارآیی اقتصادی دارد و در صورتی که جهت حفظ منافع تهیه کنندگان به جای استفاده کنندگان استفاده شود فرصت طلبانه می باشد و در بدترین حالت منجر به تقلب می شود.

در شرکت های بی رونق قدرتمندترین عامل مشوق استفاده از حسابداری ساختگی، زمانی است که شرکت ها از نظر مالی در مضیقه اند، اما باور دارند که دوره های خوب در همین نزدیکی هاست. بنابراین شرکت ها جهت گذر از این دوران و یا اجتناب از خارج شدن از لیست شرکت های بورسی، از حسابداری ساختگی یا تقلب استفاده کنند [۱۱].

انگیزه های مدیریت سود و حسابداری ساختگی

انگیزه های بکارگیری حسابداری ساختگی را می توان در سه گروه به شرح ذیل بیان کرد:

الف: انگیزه های فردی شامل افزایش پاداش و پرداخت های مرتبط با پاداش، سهام و حق

انتخاب سهم، امنیت شغلی و برآورد نیاز های شخصی

ب: انتظارات بازار (مطابقت با انتظارات تحلیل گران)

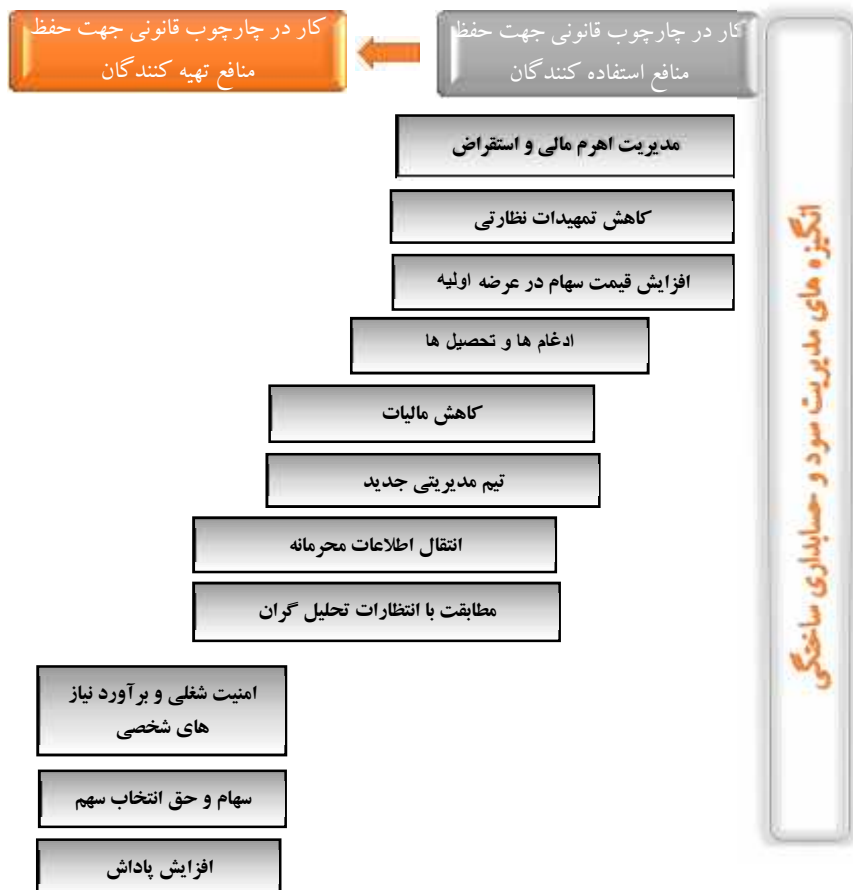
پ: موقعیت های خاص، این بخش را می توان در هفت قسمت تبیین کرد که عبارتند از:

مدیریت اهرم مالی و استقراض، ادغام ها و تحصیل ها، کاهش تمهیدات نظارتی، تیم

مدیریتی جدید، افزایش قیمت سهام در عرضه اولیه سهام، کاهش مالیات و انتقال اطلاعات

محرمانه.

شکل های زیر نمودی کلی از انگیزه های مدیریت سود و حسابداری ساختگی ارائه می کنند.



الف: انگیزه های فردی

افزایش پاداش و پرداخت های مرتبط با پاداش

این مورد شبیه افزایش حقوق است. اما در این مورد پاداش زمانی پرداخت می شود که نتایج واقعی مناسب باشند. علاوه بر این، مدیران خیلی مشتاق اند تا انعطاف پذیری های مهم در حسابداری را به صورت کاملاً قانونی جهت افزایش سود به کار ببرند (جونز ۲۰۱۰). در تئوری نمایندگی برای غلبه بر مشکل تضاد منافع بین مالک و مدیر، یکی از راه های پیشنهادی جهت همسو کردن منافع، وضع پاداش است، بدین ترتیب که هرچه مدیر بیشتر در جهت اهداف شرکت (سودآوری) تلاش کند، پاداش دریافت خواهد کرد. به علاوه یکی از اهداف مبنای اندازه گیری تلاش مدیر در جهت اهداف شرکت، سود شرکت است از آنجایی که سود، از اعداد برآمده از سیستم حسابداری است، مدیر انگیزه کافی برای مدیریت سود خواهد داشت [۵]. چنین به نظر می رسد که این فرض معقول باشد، مدیران شرکت ها، مانند هر کس دیگری خواستار بالاترین حقوق و مزایا می باشند. اگر دست کم، بخشی از این حقوق و پاداش به سود خالص گزارش شده مرتبط شود، در آن صورت آنها در صدد بر می آیند تا آنجا که امکان دارد سود خالص را بیشتر گزارش کنند تا بر مزایای خود بافزایند. یکی از این راه ها این است که رویه هایی از حسابداری را مورد استفاده قرار دهند که نتوانند بدان وسیله سود خالص گزارش شده را در دوره جاری افزایش دهند. بدیهی است به سبب ماهیت روش تعهدی، اگر سایر عوامل ثابت بمانند، کاربرد این روش باعث خواهد شد که سود های خالص گزارش شده دوره های آتی کمتر شود و در نتیجه میزان پاداش مدیران هم کاهش یابد، ولی، با جا بجا کردن جریان های حقوق، می توانند مزایای آینده را بالا ببرند [۲].

سهام و حق انتخاب سهم^{۱۱}

با پرداخت حقوق و پاداش مدیریت در قالب حق خرید سهام، برگ اختیار خرید سهام به عنوان ابزاری در می آید که منافع مدیریت با منافع سهامداران همسو می شود. بدیهی است که این چیزی جز کاربرد تئوری نمایندگی نیست که در صحنه واقعی صنعت مشاهده می شود. در عمل، برگ اختیار خرید به صورت یکی از ابزار های بسیار بی ثبات یا متزلزل درآمده است. بدان سبب مسئله هایی به وجود می آیند، که در بسیاری از موارد، مبلغ

مندرج در برگ اختیار خرید سهام بسیار زیاد می شود و دارنده می تواند بدون رعایت هیچ مقررات اضافی پس از گذشتن یک دوره نسبتاً کوتاه مدت اقدام به استفاده از حق مندرج در برگ نماید. در نتیجه اغلب مدیران دست به تلاش هایی می زنند تا از طریق دستکاری در شیوه محاسبه سود بر قیمت سهام شرکت اثر بگذارند [۱۰]. اختیار انتخاب سهام به صورت ساده اختیار خرید سهام در یک قیمت معین را به مدیران می دهد. بعلاوه، همانطور که مدیران مستقیماً منتفع می شوند، آنها دارای هر گونه انگیزه برای اطمینان از آنکه شرکت هر طور که هست به سود خود دست یابد، می باشند [۱۱].

امنیت شغلی و برآورد نیاز های شخصی

بازار کار داخلی و خارجی مدیریت وابسته به موفقیت یا عدم موفقیت مدیر در شرکت است که میزان اعتبار، حقوق و پاداش وی را تعیین می کند. از طرفی ارقام حسابداری به طور مستقیم یا غیر مستقیم در برداشت بازار کار از موفقیت یا عدم موفقیت مدیر در شرکت، اثر گذار است. همچنین ارقام حسابداری می توانند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر تصمیمات سهامداران و هیئت مدیره برای تجدید یا خاتمه مدیریت مدیر عامل اثر گذار باشد. بنابراین، مدیر انگیزه کافی برای مدیریت سود [۵]. و مدیریت ساختگی نتایج خواهد داشت [۱۱].

ب: انتظارات بازار

مطابقت با انتظارات تحلیل گران

تحلیل گران سود شرکت را بر اساس اطلاعات جاری و سایر عوامل پیش بینی می کنند. در این صورت قیمت سهام منعکس کننده انتظارات تحلیل گران است. اگر شرکت سود پیش بینی شده را بدست آورد معمولاً قیمت سهام پایین نمی آید. اما، اگر به هر دلیلی شرکت موفق به کسب سود پیش بینی شده نشود قیمت سهام آن احتمالاً دچار افت شود. این امر خبر بدی برای هیئت مدیره می باشد مخصوصاً زمانی که پاداش آنها مبنی بر قیمت سهام شرکت باشد. در نتیجه فشار زیادی جهت ایجاد سود مطابق انتظارات تحلیل گران به وجود می آید. اگر یک کمبود وجود داشته باشد در این صورت ممکن است هیئت مدیره برای پوشش این فاصله انتظاراتی سود، حسابداری ساختگی را بکار بگیرند [۱۱]. در برخی تحقیقات از دست یابی به انتظارات تحلیل گران برای بهره مندی از بازده سهام بالاتر، به

عنوان انگیزه مدیریت سود یاد شده است [۵]. طی سال های ۱۹۹۰ بسیاری از مقامات ارشد شرکت ها تحت فشارهای شدید قرار گرفتند تا به سود پیش بینی شده دست یابند و برای شرکت خود سود هایی را کسب نمایند که تحلیل گران پیش بینی کرده بودند. آنها در واکنش به این درخواست درصدد برآمدند تا از شیوه های حساب سازی استفاده کنند و گزارش های مالی ساختگی گزارش نمایند [۹].

ج: موقعیت های خاص

مدیریت اهرم مالی و استقراض

معمولاً اعتبار دهندگان در مورد بازپرداخت شدن اصل سود و منابعی که در اختیار شرکت ها قرار می دهند، دارای ریسک هستند. عموماً برای کنترل چنین ریسکی، اعتبار دهندگان در قرارداد فی مابین با شرکت خواهان وضع مفادی می گردند [۲]. در مورد وام های بلند مدت برای اعمال کنترل بر چنین مسئله ای مفاد قرارداد به گونه ای تنظیم می شود که وام دهندگان در برابر اقدامات مدیر بهترین منافع آنها را تامین نماید مصون می سازند، و این قرارداد ها می کوشند تا پرداخت سود تقسیمی را محدود کنند، اجازه ندهند شرکت وام دیگری بگیرد و حقوق صاحبان سهام و سرمایه در گردش از سطح معینی پایین تر برود، زیرا این اقدام می تواند سطح ایمنی وام دهندگان را کاهش دهد [۲]. برای مثال، این توافق نامه ها ممکن است دارای جرایم یا پرداخت بلا درنگ، در صورت نقض قرار داد وام باشند. یکی از مفاد قرار داد وام ممکن است سطح استقراض باشد (برای مثال، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام باید از سطح معینی بیشتر نشود). اگر بدهی های خارجی شرکت افزایش یابند، ممکن است شرکت را در مشکل قرار دهد. برای مثال، اگر قرار داد وام شرکت بیانگر این باشد که اگر اهرم مالی به ۳۰٪ افزایش یابد و حساب ها ۳۵٪ را نشان دهد اصل وام باید بطور خودکار بازپرداخت شود [۱۱]. با توجه به مفروضات قرارداد وام (براساس تئوری اثباتی حسابداری) می توان نفوذی را که امکان دارد مدیر بر سود اعمال نماید، پیش بینی کرد. با توجه به اینکه نقض مفاد قرار داد می تواند هزینه های سنگینی بر شرکت تحمیل نماید، انتظار بر این است که مدیران شرکت ها مانع از نقض قرارداد ها شوند. در واقع حتی آنها می کوشند به مواردی که باعث خواهد شد آزادی هایی که برای انجام دادن عملیات شرکت دارند، کاهش یابد. بنابراین امکان دارد مدیریت بر سود [۲]. و

استفاده از تکنیک تامین مالی برون ترانزنامه ای برای استقراض شرکت [۱۱] به عنوان وسیله یا روشی در آید که احتمال نقض مفاد قرارداد وام را کاهش دهد.

ادغام ها و تحصیل ها

شرکت ها اغلب خود را در بین فعالیت های ادغام و تحصیل می یابند. اگر شرکتی تحصیل کننده یا تحصیل شونده است، انگیزه هایی جهت قبول حسابداری ساختگی وجود دارد. از دیدگاه پیشنهاد دهنده مجموعه ای از نتایج خوب اجازه پیشنهاد از موقعیتی قوی را خواهد داد. بویژه اگر (همانطور که خیلی رایج است) شرکت بخواهد سهام خود را به عنوان بخشی از مبلغ جدید عرضه کند در این صورت اگر قیمت سهام آن بیشتر باشد سهام کمتری عرضه خواهد کرد. تحقیقات نشان می دهد در قبل از دهه ۱۹۸۰ در انگلستان هان سان^{۱۱} یکی از بزرگترین شرکت های تحصیل کننده، پیشنهاد ۱۶ تحصیل تجاری را ارائه کرد. زمانی که قیمت سهام هان سان به طور مقایسه ای بی ثبات بود، فقط یک مورد تحصیل تجاری صورت گرفت. همانطور که قبلاً بحث شد، ارزش سهام شرکت بسته به سود دهی شرکت است و سود دهی شرکت می تواند توسط حسابداری ساختگی افزایش یابد. اما در این مورد، شواهدی مبنی بر حسابداری ساختگی وجود نداشت گرچه حتماً ارائه هدف دار وجود داشت. از دیدگاه شرکت تحصیل شونده (هدف)، شرکت تحصیل کننده ای که به آنها پرداخت خواهد کرد بهترین نتایج را باید داشته باشد. به علاوه، اگر شرکت تحصیل شونده در مقابل تحصیل مقابله می کند و اگر دارای سود بیشتری است و به نظر می آید بهتر از این ها میتواند عمل کند، در این صورت ممکن است تلاش هایی دفاعی انجام دهد [۱۱]. وو (۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که مدیر می کوشد درست پیش از خرید شرکت (با هدف فروش دارایی های آن برای تامین پول مورد نیاز) در سود شرکت دستکاری کند و سود خالص را کمتر گزارش کند. ولی، نتیجه تحقیق وو (۱۹۹۷) برعکس نتیجه تحقیق دی آنجلو (۱۹۸۶) بود، زیرا او نتوانست مواردی را مشاهده کند که مدیر از طریق حساب سازی اقدام به کم نمایی سود خالص نماید، احتمالاً بدان سبب که پیش از معامله (خرید شرکت و به فروش رساندن دارایی ها با هدف تامین مالی) فعالیت های مدیر را زیر ذره بین قرار می گرفته است و این نوع اقدامات منجر به جریمه های سنگین می شده است [۱۰].

تحقیقاتی هم این مورد را بررسی کرده اند که شرکت ها زمانیکه می خواهند جای خود را در بورس اوراق بهادار عوض کنند، اقدام به مدیریت سود می کنند. برای مثال لین (۲۰۰۳) به شرکت هایی متمرکز شد که از بورس نزدیک^{۱۳} و بورس سهام آمریکا^{۱۴} به بورس اوراق بهادار نیویورک^{۱۵} در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ تغییر مکان داده بودند. لین (۲۰۰۳) شواهدی را بدست آورد که در آن شرکت ها سود را بوسیله ارقام تعهدی قبل از پذیرش در بازار جدید مدیریت کرده بودند. به علاوه او شواهدی را یافت که در آن قبل از پذیرش جدید مدیریت سود ارقام تعهدی بکار برده شده بودند، با عملیات پذیرش به بورس بالاتر و عملکرد بازده سهام ارتباطی منفی داشت [۱۱].

کاهش تمهیدات نظارتی

برخی شرکت ها، از دیدگاه سیاسی، در معرض دید بیشتر قرار می گیرند. در مورد شرکت های بسیار بزرگ این وضع بدان سبب صادق است که نوع فعالیت آنها بر افراد و مردم زیادی تاثیر می گذارد. همچنین شرکت هایی که در صنایع استراتژیک هستند، مانند شرکت های نفت و گاز، در معرض دید بیشتر قرار دارند و نیز در مورد شرکت هایی که حالت انحصاری یا تقریباً انحصاری دارند، مانند صنایع هواپیمایی و تولید برق هم این وضع صادق است. این شرکت ها خواستار نوعی مدیریت سود هستند که کمتر آنها را در معرض دید (و زبان زد) مردم قرار دهد. جونز (۱۹۹۱) به این نتیجه رسید که شرکت ها برای کاهش دادن سود به میزان زیادی از ارقام تعهدی استفاده می کردند همچنین کاهان (۱۹۹۲) تحقیقی مشابه تحقیق جونز انجام داد، او هم به این نتیجه رسید که شرکت های مورد تحقیق از دیدگاه وزارت دادگستری و کمیسیون تجارت فدرال طی سال هایی که بر روی آنها تحقیق انجام نمی شد، برای کاهش سود از ارقام تعهدی زیادی استفاده کردند [۲].

تیم مدیریتی جدید

زمانی که تیم مدیریتی جدید می آید ممکن است خواهان سرزنش مدیران قبلی برای هر گونه نتایج ضعیف باشد. آنها ممکن است سیاستی که پاکسازی بزرگ^{۱۶} می گویند انتخاب کنند. این سیاست مدیریت را با تضعیف نتایجی که قبلاً ضعیف تر بودند در گیر می کند. این کار به دو دلیل خوب است:

این سیاست مدیریت جدید را جهت شروع از سطح پایین و همچنین برای زیاد کردن سود های آتی توانا می سازد. برای مثال، سود های آتی بوسیله ی ایجاد ذخیره های آتی برای هزینه هایی که در آینده تحمل خواهند شد می تواند تقویت شود. این عمل هزینه های آتی را کاهش می دهد و به همین طریق سود های آتی را افزایش خواهد داد. به بیان دیگر، اگر مدیران ارزش موجودی کالا دوره جاری را بکاهند از این رو زمانیکه موجودی کالا در دوره های آتی فروخته شود، این عمل سود های آتی را افزایش خواهد داد. بطور مشابه، امکان دستکاری ارزش سایر دارایی ها از قبیل حساب های دریافتی و دارایی های ثابت وجود دارد [۱۱].

در زمان تغییر مدیر عامل انگیزه زیادی به وجود می آید که نوعی مدیریت بر سود اعمال شود. بر اساس مفروضات طرح پاداش می توان پیش بینی کرد که چون زمان بازنشستگی مدیر عامل فرا می رسد، با احتمال زیادی او در صدد اجرای نوعی استراتژی بر آید که سود را به حداکثر برساند و میزان پاداش خود را افزایش دهد [۲].

دی آنجلو (۱۹۹۴)، شاید این مدیران عامل از یک استراتژی به نام «آب از سر گذشتن» استفاده کنند و در صدد برآیند احتمال سود مثبت آینده را افزایش دهند. این انگیزه در مدیران عامل جدید وجود دارد به ویژه اگر آنها بتوانند حذف بسیار زیاد ارقام را به حساب مدیران عامل پیشین بگذارند (گناه را به گردن آنها بیندازند). پورچیانو تحقیقی در مورد تغییر غیر عادی مدیران عامل انجام داد، به نظر او یک احتمال این است که، مدیر عاملی که شرکت را ترک می کند در چنگال پولادین روش معکوس کردن ارقام تعهدی اختیاری قرار می گیرد که به ناگزیر سود خالص کاهش می یابد و با احتمالی دیگر هیئت مدیره بر فعالیت مدیری که عملکرد ضعیفی داشته و در حال ترک شرکت است نظارت می نماید و اجازه نمی دهد که با استفاده از فرصت طلبی اقدام به اعمال نفوذ بر سود نماید [۲].

افزایش قیمت سهام در عرضه اولیه سهام

در ارتباط با شرکت هایی که سهام خود را برای اولین بار به بازار عرضه می کنند این پرسش ها مطرح می شود که چگونه می توان ارزش سهام این شرکت را تعیین نمود و اینکه شرکت هایی که سهام خود را برای اولین بار به مردم عرضه می کنند می توانند به سود گزارش شده در برگ پذیره نویسی اعمال نفوذ نمایند تا قیمت سهام خود را افزایش

دهند. فریدلان(۱۹۹۴) به این نتیجه رسید که ، شرکت هایی که سهام خود را برای اولین بار به مردم عرضه می کردند در آخرین دوره پیش از عرضه سهام با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری سود را افزایش داده اند. همچنین به نظر می رسد که مدیریت بر اقلام تعهدی بیشتر متمرکز بر نمونه ای از شرکت ها بود که دارای ضعف عملکرد بودند و این عملکرد از مجرای جریان نقدی عملیاتی محاسبه می شد[۲]. حسابداری ساختگی یا در مواردی تقلب ممکن است بین موفقیت یا عدم موفقیت انتشار سهام یا عرضه اولیه سهام در بازار تفاوت هایی ایجاد کند[۱۱].

کاهش مالیات

هزینه مالیات یکی از بزرگترین اقلام هزینه شرکت های محسوب می شود از این رو شرکت ها تلاش خواهند کرد تا آن را بکاهند. این امر می تواند بوسیله ترفند های حسابداری ساختگی و مدیریت سود میسر گردد.

اما باید توجه داشت که بستر اعمال مدیریت سود، سیستم اعداد حسابداری است. به عبارتی دیگر هنگامی مدیریت سود می تواند در میزان پرداخت مالیات موثر باشد که محاسبه مالیات، از اعداد بیرون آمده از سیستم حسابداری استفاده شود. اما اگر قوانین مالیاتی اختیاراتی به مدیر در حسابداری مالیاتی ندهد ، کارآیی مدیریت سود در این حوزه کاهش می یابد. به عنوان مثال اگر قوانین مالیاتی تنها استفاده از یک روش حسابداری را مجاز بدانند، مدیریت قادر نیست به وسیله تغییر در رویه در این روش های حسابداری مدیریت سود کند. بنابراین میزان کارآئی مدیریت سود در کاهش مالیات بستگی به میزان تاثیر گذاری محاسبه مالیات از اعداد حسابداری دارد.

انتقال اطلاعات محرمانه.

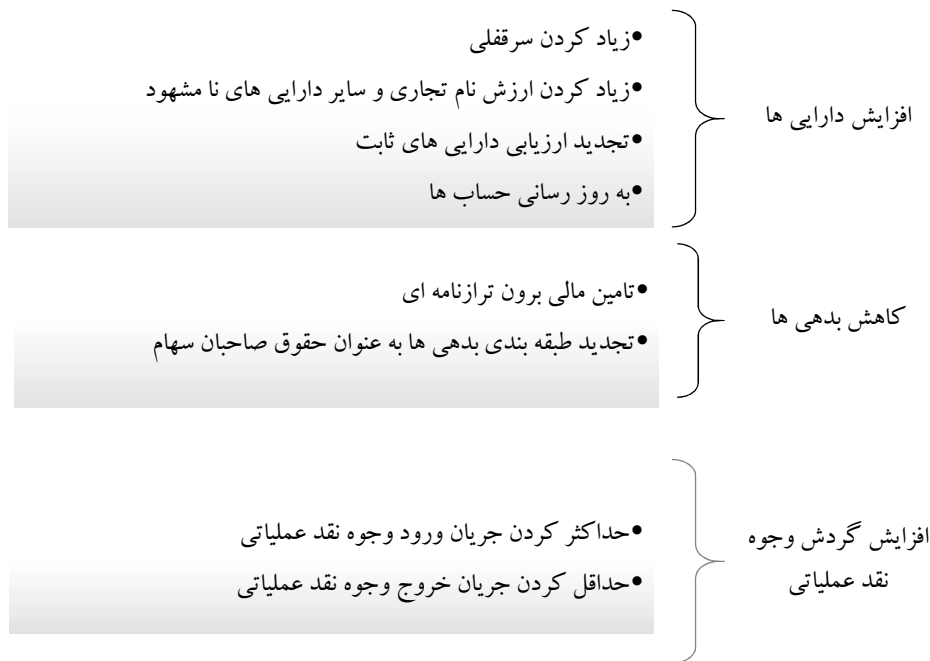
سرمایه گذاران هنگام ارزیابی عملکرد آینده شرکت بر اساس سود خالص از دیدگاه روش حسابداری این کار را انجام می دهند. اگر مدیریت بر سود به گونه ای باشد که اطلاعات محرمانه افشا شود، در واقع این شیوه مدیریت می تواند اثر بخشی گزارشگری مالی را افزایش دهد. اصولاً سرمایه گذاران متکی به خود بر اساس عملکرد آینده شرکت اقدام به سرمایه گذاری می کنند و با استفاده از سود خالص گزارش شده دوره جاری در احتمالاتی که برای دوره آینده در نظر گرفته اند، تجدید نظر می نمایند. از این دیدگاه مدیر کسی

است که درباره سود های خالص آینده شرکت اطلاعات بهتری (اطلاعات محرمانه) دارد. اگر بر سود خالص گزارش شده به شیوه ای مدیریت یا اعمال نفوذ شود که موید برآورد مدیر درباره توان تداوم سود باشد و بازار هم این واقعیت را تشخیص دهد، قیمت سهام باید این اطلاعات محرمانه را به سرعت منعکس نماید. در واقع کاربرد مسئولانه مدیریت بر سود می تواند احتمالات قطر اصلی نمودار سیستم اطلاعاتی را افزایش دهد [۲].

روش های متداول حسابداری ساختگی که می تواند در مدیریت سود هم استفاده شود:

جونز (۲۰۱۰) پنج استراتژی را برای انجام حسابداری ساختگی بیان کرد که شامل استراتژی های زیر می باشند:





علت تداوم مدیریت سود و حسابداری ساختگی

علت تداوم مدیریت سود

بنا به نظر چیپر (۱۹۸۹) یک علت وجود دارد، یعنی دست یافتن به اطلاعات محرمانه و درون سازمانی (در دسترس مدیران) برای دیگران بسیار پر هزینه است. جونز (۱۹۹۱) دارای این دیدگاه است که برای مصرف کنندگان معقول نیست که در مورد میزان حمایت های تعرفه ای (به وسیله کمیسیون تجارت بین المللی) اطلاعات کاملی بدست آورد، زیرا اثر این اقدامات برای قیمت ها می تواند بسیار زیاد باشد. حتی کمیسیون تجارت بین الملل هم اگر از مصرف کنندگان شکایت هایی دریافت نکند هیچ گاه زحمت بررسی در مورد احتمال کاربرد مدیریت سود را به خود نخواهد داد [۲].

علت تداوم حسابداری ساختگی

اعتقاد بر اینکه قوانین جاری غلط هستند

عامل بالقوه خاص و نادر این است که مدیریت بخواهد تصویری صحیح و منصفانه ارائه کند اما در حقیقت اعتقاد دارد که تفسیر های خشک از قوانین و مقررات جاری حسابداری مانع این عمل می شود. در اینگونه موارد ممکن است مدیران احساس کنند پذیرش

حسابداری ساختگی اصلاح طلبانه^{۱۷} آنها را قادر به انجام این عمل خواهد کرد. به عبارت دیگر، آنها حسابداری ساختگی را برای به تصویر کشیدن صحت وضعیت شرکت بکار می برند. اما شمار شرکت هایی که حسابداری ساختگی را با این استدلال بکار میبرند و واقعاً هم به آن اعتقاد دارند، احتمالاً کمتر از شرکت هایی است که به دلایلی ساده حسابداری ساختگی را استفاده می کنند [۱۱].

با اینکه غیر قانونی نیست پس چرا نباید از حسابداری ساختگی استفاده کنیم؟
آخرین دلیل، زمانی که انگیزه ای وجود نداشت آن است که حسابداری ساختگی غیر قانونی نیست. با اینکه مدیران عمل خطرناکی انجام نمی دهند چرا آنها نباید از حسابداری ساختگی استفاده کنند؟ که این بحث یک بحث قانونی است، گرچه ضرورتی هم ندارد تا در مفاد قانون جستجو شود. واقعیت این است که آنها (قانون گذاران) ممکن است اعتقاد داشته باشند افراد دیگری که حسابداری ساختگی را می پذیرند این بحث را مستحکم تر می کنند [همان منبع].

نتیجه گیری:

" در طی سال ۱۹۹۹ ما مسائل مرتبط با گزارشگری مالی مرتبط با مدیریت سود سوء استفاده گرایانه توسط شرکت های سهامی عام بودیم. مدیریت سود سوء استفاده گرایانه با بکارگیری انواع مختلف حيله گری ها جهت تحریف کارآئی مالی شرکت در جهت دست یابی به نتایج دلخواه سرو کار داشت" [11].

با توجه به آنچه که تاکنون گفته شد و با استناد به تفسیر فوق، ارائه شده توسط کمیته بورس و اوراق بهادار (SEC) در سال ۱۹۹۹، چنین می توان نتیجه گرفت که مدیریت سود و حسابداری ساختگی مادام که در جهت حفظ منافع استفاده کنندگان استفاده شوند دارای کارآئی اقتصادی هستند و در غیر این صورت هر دو یک عمل با نام های متفاوت می باشند.

Abstracts:

Accounting scandals, creative accounting and fraud are perennial. They range from ancient Mesopotamia to the South Sea Bubble in 1720 to Enron and Parmalat today. So, stock holders, creditors and stock holders are anxious about their interests. Number of the profit is important to the economic decision making, compensation, promotion and job

security. On the other hands managers are anxious about corporate future, compensation and job security. For this reasons number of the earning affect from multiple aspects. Earnings management is that methods helping to the managers for achievement of their predetermined aims, and creative accountings is that methods helping to them for accessablty of that aims. In fact earnings management and creative accounting are same action with different names. As following first describing concepts of earning, earnings management and creative accounting, incentives and its implementation.

Keywords: Earning, earnings management, creative accounting

دانشیار، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده و مسئول مکاتبات -

Baradaran313@iaut.ac.ir-09144001030

^۲ کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس. aliacc67@gmail.com

- ³ Enron and Parmalat
- ⁴ creative accounting
- ⁵ city expectation
- ⁶ debt covenant
- ⁷ Mulford & Comiskey(2002)
- ⁸ True & Fair
- ⁹ Present fairly
- ¹⁰ False accounting
- ¹¹ Stock and stock option
- ¹² Han son
- ¹³ NASDAQ
- ¹⁴ AMEX
- ¹⁵ NYSE
- ¹⁶ big bath
- ¹⁷ liberal creative accounting

منابع و مآخذ:

- ۱- کمیته تدوین استاندارد های حسابداری ایران، تهران: سازمان حسابرسی (۱۳۹۲).
- ۲- اسکات، ویلیام (۱۳۹۱) تئوری های حسابداری ترجمه دکتر علی پارسائیان، ترمه ۱۳۹۱
- ۳- بولو، قاسم؛ طالبی، میثم، "معیارها و مدل های اندازه گیری کیفیت سود" مجله: بورس، مرداد و شهریور ۱۳۸۹ - شماره ۹۲ (از صفحه ۱۰ تا ۱۸).
- ۴- تقفی علی، پوریا نصب امید (۱۳۸۹)، "نظریه مدیریت سود" - فصلنامه تحقیقات حسابداری سال دوم شماره ششم صفحه ۳۴.
- ۵- دستگیر، محسن، حسینی، "مروری جامعه بر مدیریت سود" سید احسان حسینی (۱۳۹۲) نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی.
- ۶- کریک دیگان، آنرمن جفری (۱۳۹۱) تئوری های حسابداری ترجمه دکتر علی پارسائیان، تهران: ترمه ۱۳۹۰.
- ۷- ریاحی بلکویی، احمد (۱۳۹۰) تئوری های حسابداری ترجمه دکتر علی پارسائیان، تهران: ترمه ۱۳۹۰.

-
- ۸- رهنمای رود پستی، فریدون و صالحی، اله کرم (۱۳۸۹) - مکاتب و تئوری های حسابداری - انتشارات ترمه.
- ۹- شرودر، ریچارد جی، کلارک، مایرتل دبلیو و کی تی، جک ام (۱۳۹۱) تئوری های حسابداری ترجمه دکتر علی پارسائیان، تهران: ترمه ۱۳۹۱.
- ۱۰- ولک، داد- ترنی (۱۳۹۰) تئوری های حسابداری ترجمه دکتر علی پارسائیان، تهران: ترمه ۱۳۹۰.

11-Michael John Jones(2012)- Creative Accounting, Fraud and International Accounting Scandals(201 -A John Wiley and Sons, Ltd., Publication.